

متغیرهای واگرا و همگرا در روابط ایران با جهان عرب چشم‌اندازی بر تمدن نوین اسلامی

محمد ملک‌زاده*

عضو هیئت علمی پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم، ایران

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۵/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۴

چکیده

روابط ایران و کشورهای عربی با پیشینه تاریخی مشترک از دوران باستان تحت تأثیر برخی عوامل واگرا و همگرا، در یک فرایند زمانی دستخوش تغییر و تحولاتی بوده است؛ این روابط به رغم اشتراکات فرهنگی-تاریخی متعدد، تحت تأثیر متغیرهای عدیده‌ای همچون تفاوت نژادی، زبانی و یا مذهبی آنها در طول تاریخ به ویژه دوره معاصر، هیچگاه در حد مطلوبی ارزیابی نشده است. این در حالی است که به دلیل اشتراکات مهم دینی، تاریخی و فرهنگی؛ دشمنان واحد؛ گستردگی مرزهای مشترک و تداخلات قومی و مردمی، امروزه اقتضا دارد به منظور افزایش کاربریهای لازم در سطوح منطقه‌ای و جهانی رابطه ایران و کشورهای عربی به سمت تنش‌زایی و همگرایی بیشتر سوق داده شود. در این پژوهش، نگارنده با هدف پاسخ به چگونگی شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تحت تأثیر متغیر رابطه ایران با جهان عرب، با استفاده از روش تحلیل محتوای داده‌ها، تلاش نموده است تا پس از بررسی متغیرهای واگرا در روابط ایران با کشورهای عربی، به ارزیابی راهکارها و عوامل بهبودی این روابط و تعامل و همبستگی ایران با جهان عرب در پرتو پیوستگی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی بپردازد. بر اساس یافته‌های این نوشتار، از یکسو با تقویت عوامل همگرا و تکیه بر اصول مشترک و از سوی دیگر تضعیف عوامل واگرا می‌توان ضمن بهبود روابط دوجانبه، بستر تحقق تمدن نوین اسلامی را در گستره جهانی فراهم نمود.

کلمات کلیدی: ایران، تمدن نوین اسلامی، جهان عرب، واگرایی، همگرایی

مقدمه

روابط ایران و کشورهای عربی را می‌توان به وابستگی‌ها و پیوستگی‌های دوسویه ایران و مجموعه ۲۳ کشور عرب‌زبان در موضوعات گوناگون مرتبط دانست. بررسی تحولات چهار اقلیم مرزی سرزمین ایران با کشورهای عربی، نشان از اهمیت تاریخی این روابط دارد؛ اقلیم کردستان در دوسوی مرزهای غربی ایران و شمال عراق؛ منطقه خوزستان ایران با عراق و کویت؛ نوار مرزی منطقه خلیج فارس با کشورهای عربستان، قطر، بحرین و امارات؛ منطقه هرمزگان با کشورهای عمان و امارات. روابط این مناطق با کشورهای عربی هر کدام دارای پیشینه تاریخی و ویژگی‌های خاص خود می‌باشد. از این رو اندیشمندان مسلمان همچون حمید عنایت با توجه به پیوستگی‌های فکری-فرهنگی ایران با جهان عرب، همواره درباره ضرورت حفظ این ارتباط دوسویه سخن گفته‌اند. (رجایی، ۱۳۸۱) با این حال به دلایل متعددی همچون تفاوت نژادی، زبانی و مذهبی، روابط سیاسی و دیپلماتیک ایران با جهان عرب اعم از ۲۲ کشور آسیایی و آفریقایی هیچگاه در حد مطلوبی ارزیابی نشده و در این ارتباط به ویژه پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره میزانی از بدبینی و تقابل بالاخص از جانب کشورهای عربی وجود داشته است (Herald, Cooper, 23 march 2011).

این نوشتار با اشاره به پیشینه تاریخی روابط ایران با جهان عرب و نیز عوامل ثبات و بی‌ثباتی در این روابط، راهکارهای گسترش تعامل و گفتگوهای دو جانبه را در چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی مورد بررسی قرار خواهد داد. سؤال اصلی پژوهش حاضر این است که چه عوامل و متغیرهایی موجب تضعیف یا تقویت این روابط گردیده و راهکار بهبود بخشیدن به گفتگوهای ایران با کشورهای عربی چیست؟ بر اساس فرضیه این تحقیق، روابط ایران با جهان عرب اگرچه در مقاطعی از تاریخ تحت تأثیر متغیرهای نژادی، مذهبی یا سیاسی گاهی با تنش همراه بوده است، اما با تأکید بر اصول مشترک و اهتمام به دین جامع، عقلانیت، علم، اخلاق و تقویت گفت‌وگو و وحدت در جهان اسلام، می‌توان با تضعیف عوامل واگرا و بستری تنش‌زا، فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی در گستره جهانی را تسریع نمود. ضرورت توجه به این مهم با توجه به شرایط حساس کنونی جهان اسلام که دشمنان درصدد ایجاد اختلاف میان جوامع اسلامی به ویژه تخریب ارتباط جمهوری اسلامی ایران با کشورهای عربی می‌باشند، احساس گردیده و اقتضا دارد تحقیقات در راستای شناسایی دقیق عوامل همگرا و واگرا در این ارتباط انجام شود.

الف) روش‌شناسی

غالب پژوهش‌های تاریخی از نوع پژوهش‌های توصیفی-کیفی می‌باشند که در آنها از روش توصیف داده‌ها و تحلیل تاریخی استفاده می‌شود. تحقیق حاضر با بهره‌گیری از روش تحلیل محتوای داده‌ها مبتنی بر دیدگاه‌های رئالیستی و ایدئالیستی ناظر به دو بخش اهداف کوتاه‌مدت و بلندمدت، به بررسی و ارزیابی مناسبات ایران با جهان عرب می‌پردازد. انتخاب این روش از آن رو است که در بحث تأمین منافع و امنیت ملی در کوتاه مدت، نگاه واقع‌گرایانه، و در مورد نیل به وحدت جهان اسلام و اجتناب از تنش و پرهیز از تعاملات واگرایانه میان ایران با کشورهای عربی در بلندمدت، نگاه ایدئالیستی رجحان پیدا خواهد کرد.

ب) چیستی تمدن نوین اسلامی

واژه تمدن^۱ در لغت از معنای شهروند یا شهرنشین^۲ گرفته شده است: «شهرنشین شدن، خوی شهری گزیدن و با اخلاق مردم آشنا شدن، زندگانی اجتماعی؛ همکاری مردم با یکدیگر در امور زندگانی و فراهم کردن اسباب ترقی و آزادی خود» (عمید، ۱۳۸۹: ۷۲۶) و در اصطلاح، برخی "تمدن" را با "فرهنگ" یکی دانسته‌اند (لوکاس، ج ۱، ۱۳۸۴) و برخی اندیشمندان آن را زیرمجموعه فرهنگ تلقی نموده‌اند؛ چنانکه امام خمینی (ره) با اشاره به اینکه «فرهنگ یک ملت در رأس تمدن واقع شده» (خمینی، ۱۳۷۹: ۲۷۲) پیشرفت‌های صنعتی و اقتصادی در قالب آبادانی و تأسیس نهادها و ساخت ابزارهای جدید را مصادیق تمدن دانسته است (فوزی و صنم‌زاده، ۱۳۹۱).

تمدن در ادبیات اسلامی به معنای مجموعه‌ای با تمام شاخص‌های تمامیتی اسلام است که جلوه کوچکی از آن در طول پنج قرن؛ از سده دوم تا هفتم هجری قمری ادامه یافت (آذرنگ، ۱۳۹۰: ۱۹۲) و در این برهه از زمان چنان موج عظیمی در جهان پدید آورد که آثار آن در فلسفه، تاریخ، طب و... باقی مانده است. (قربانی، ۱۳۷۶: ۱۹) در اندیشه دینی، کامل‌ترین شکل تمدن اسلامی در زمان حکومت حضرت ولیعصر (عج) تحقق خواهد یافت؛ اما مراد از اصطلاح "تمدن نوین اسلامی" در این پژوهش تمدنی است که قبل از ظهور نیز قابلیت تحقق خواهد داشت. این اصطلاح که برای نخستین بار توسط آیت‌الله خامنه‌ای برای مفهوم پیشرفت تمدن اسلامی مطرح گردید، به معنای

¹ civilization

² civis

«آن فضایی است که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است، برسد و زندگی خوب... و عزتمندی داشته باشد» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۲/۶/۱۴). به اعتقاد نگارنده یکی از اصلی‌ترین موانع شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر، عدم تقویت رابطه ایران با جهان عرب است در حالی که این رابطه به دلیل پیوستگی‌های عمیق فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی دو ملت، مستعد تقویت و گسترش بیشتر می‌باشد.

ج) پیشینه‌شناسی

در موضوع تمدن اسلامی و راه‌های تحقق آن تاکنون تحقیقات چندی انجام یافته است؛ برخی تحقیقات ناظر به ظرفیت جهان اسلام برای تمدن‌سازی است مانند: «ظرفیتهای سیاسی جهان اسلام برای تمدن نوین اسلامی» تألیف آقای رهدار؛ و «ظرفیتهای فرهنگ سیاسی تشیع در برسازي تمدن نوین اسلامی» اثر آقای شجاعی؛ برخی دیگر شامل آثاری است که به بررسی قواعد، الزامات و موانع تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند. این تحقیقات از جمله شامل: «چالشهای ساختاری-هویتي تمدن نوین اسلامی و نقش ایران در کاهش و رفع آن» تألیف آقای زمانی محبوب؛ «الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی» اثر آقای فرمهینی فراهانی؛ «اقتضائات تحقق تمدن نوین اسلامی» آقای مالشاهی و «آسیب‌شناسی، موانع و چالشها در تحقق تمدن نوین اسلامی» تألیف تعدادی از نویسندگان می‌باشند. در میان تحقیقات دیگر همچنین می‌توان به آثاری اشاره کرد که به بررسی مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی پرداخته‌اند؛ اما غالب آنها به صورت محدود و غیرمرتبط با موضوع این پژوهش می‌باشند. تاکنون تحقیقی به تأثیر ارتباط ایران با جهان عرب در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی اختصاص نیافته است.

د) روابط تاریخی ایران و جهان عرب

روابط ایران و جهان عرب به دلیل نقاط مشترک فراوان دارای پیشینه تاریخی بسیار طولانی از دوره پیش از ظهور اسلام تا عصر حاضر است. مدتها پیش از طلوع اسلام در شبه جزیره عربستان، بسیاری از سرزمین‌های عربی که به صورت قبایل بدوی زندگی می‌کردند، تحت‌الحمایه امپراتوری‌های بزرگ ایران قرار داشته و با ایرانیان در زمینه‌های مختلف فرهنگی، سیاسی و اقتصادی، پیمان دوستی، ضرب سکه و... مرآوده می‌نمودند (طبری، ۱۳۹۴: ۱۰۸۹؛ بلاذری، ۱۹۸۸: ۳۷۲). در عصر

حاکمیت دین اسلام در شبه جزیره عربستان، با تضعیف اقتدار امپراطوری ساسانی از یکسو و گسترش قدرت نفوذ اسلام به مناطق پیرامونی از سوی دیگر، ایران تحت نفوذ جهان اسلام قرار گرفت و ارتباط مناطق عربی با ایران به شکل آشکارتری افزایش یافت. با فروپاشی امپراطوری ایران، این کشور در دوره بنی‌امیه و بنی‌عباس به یکی از متصرفات حوزه جهان اسلام تبدیل شد و سرزمین‌های عربی که تا پیش از این زیرمجموعه سرزمین پهناور ایران قرار داشتند، با فروپاشی امپراطوری ساسانی، زیرمجموعه حوزه جهان اسلام و سرزمین‌های عربی-اسلامی قرار گرفتند (دریایی، ۱۳۸۴: ۵۶-۵۷). با این حال این وضعیت هرگز به معنای تحت‌الحمایگی کامل ایران از سوی سرزمین‌های عربی تلقی نگردید؛ چنانکه تا سالها پس از فتح ایران، سکه اعراب همان سکه رایج ساسانی و با عکس پادشاه ایران بود (Adas, 1993: 13-14). در سده‌های بعد، حکومت‌های مستقل محلی نظیر: طاهریان، صفاریان، سامانیان و ... در ایران شکل گرفت که دارای خودمختاری و استقلال، در عین وفاداری به اسلام و تعامل با خلافت عربی بودند. به تدریج با شکل‌گیری حکومت‌های مقتدری چون آل‌بویه با عقاید شیعی و سلسله‌های غزنویان، سلجوقیان و خوارزمشاهیان با عقاید اهل سنت، اقتدار نظام سیاسی ایران در برابر خلافت در سرزمین‌های عربی افزایش یافت. به گواه متون تاریخی در این دوره اگرچه ظاهراً به نام خلیفه اسلامی در ایران خطبه می‌خواندند و با خلفای عباسی در تعامل فراوان بودند اما قدرت واقعی از آن حاکمان ایرانی بود و عملاً سلطه‌ای از جانب حاکمان عربی بر ایران وجود نداشت (Adas, 1993: 13-14). در دوره حاکمیت مغولان در ایران و برچیده شدن خلافت عباسی به دست ایشان، بخش‌هایی از سرزمین‌های عربی تحت تصرف و سلطه ایلخانان درآمد (انصاری، ۱۳۹۳: مقدمه، ۱ و ۱۹). با ظهور صفویان در ایران که با تلفیق هویت ایرانی با مذهب تشیع همراه بود، ارتباط میان ایرانیان و عربها بیشتر جلوه رقابتی در حوزه‌های سیاسی، فرهنگی، قومی و مذهبی به خود گرفت (حسن‌نیا، ۱۳۸۷: ۲۰۱-۲۱۶). در دوره معاصر با شکل‌گیری کشورهای مستقل عربی در خاورمیانه و شمال آفریقا، روابط ایران با این کشورها دستخوش تغییر و تحولی جدید گردید که برخی حوادث همچون پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و جنگ ایران و عراق، تأثیر بیشتری بر این روابط داشت. با توجه به پیشینه تاریخی روابط ایران و جهان عرب، این روابط را می‌توان تحت تأثیر عوامل و متغیرهای گوناگون همگرایی و واگرایی مورد ارزیابی قرار داد که در ادامه به تفصیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

ه) عوامل و متغیرهای همگرا

در بررسی روابط ایران با جهان عرب می‌توان نقش برخی عوامل و متغیرهای همگرا که باعث تقویت ارتباطات دوجانبه گردیده را مورد تأکید قرار داد:

۱. پیوستگی‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی ایران با جهان عرب

ایران با جهان عرب دارای اشتراکات مهم تاریخی، فرهنگی و اجتماعی است. به لحاظ پیشینه تاریخی، ایران از دوران باستان با جهان عرب تاریخ مشترک دارد. از قدیم الایام جمعیت فارس و عرب‌زبان در کنار یکدیگر زندگی کرده‌اند. زبان عربی از مهمترین زبان‌های گویشور در ایران است. به طوری که در سده‌های میانه و در دوران فرهنگی عصر طلایی اسلامی، زبان عربی به عنوان زبان اول تمدن اسلامی به شمار می‌رفت. در حال حاضر حدود چهاردرصد (دو و نیم میلیون نفر) از مردم ایران، عرب‌تبار هستند (کریمی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۷). بافت جمعیتی غالب استان‌های خوزستان، هرمزگان، بوشهر، ایلام و جزایر خلیج فارس از ایرانیان عرب‌زبان تشکیل شده است. پژوهش‌های انجام شده همچنین نشان می‌دهند بسیاری از مهاجران ایرانی‌تبار از گذشته‌های دور تاکنون در میان علما و مورخان، ساکن کشورهای عربی بوده‌اند (فروخ، ۱۹۸۴: ۸۰۸). دانشگاه‌های ایران و کشورهای عربی هم‌اینک شاهد حضور پرتعداد دانشجویان هر دو ملیت است (گزارش خبری پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه، ۱۳۸۸/۲/۵). زبان عربی در ایران پیشینه‌ای کهن در ادبیات و دستور زبان داشته و در کنار رشد زبان فارسی گسترش یافته است. در تاریخ علم و ادب ایران بسیاری از اندیشمندان، شعرا و ادیبان فارسی‌زبان همچون ابوالعباس سرخسی، ابوریحان بیرونی، جلال‌الدین مولوی در مثنوی، ناصر خسرو، ابومنصور عبدالملک نیشابوری و ... همواره تلاش می‌کردند آثار خود را به زبان عربی و یا تلفیقی از عربی و فارسی بیافرینند (شعار، ۱۳۷۱). اکنون بیش از دو میلیون نسخه خطی عربی در ایران نگهداری می‌شود و هر ساله در نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران، صدها ناشر برجسته از کشورهای عربی شرکت می‌کنند (خبرگزاری مهر، ۲۵ فروردین ۱۳۹۴). از این رو به دلیل آمیختگی ادب و فرهنگ فارسی با عربی، از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، اهتمام به فراگیری زبان عربی در ایران مورد تأکید قرار گرفت (قانون اساسی، اصل ۱۶).

۲. برخی عوامل و رویدادها پس از پیروزی انقلاب اسلامی

در بررسی روابط جمهوری اسلامی ایران با جهان عرب، نقش برخی عوامل و متغیرها در تقویت روابط دو جانبه و رفع سوء تفاهات، حائز اهمیت بوده است:

۲-۱. پایان جنگ ایران و عراق

خاتمه جنگ هشت ساله عراق علیه ایران، فرصت جدیدی برای بهبودی روابط ایران با کشورهای عربی که غالباً این جنگ را "جنگ عرب و عجم" تلقی نموده و از این جهت نیز عمدتاً جانب عراق را گرفته بودند، به وجود آورد. علیرغم حمایت‌های همه جانبه سیاسی، تسلیحاتی و مالی اعراب از عراق در جنگ هشت ساله که باعث تحمیل خسارات فراوان به ایران شد، جمهوری اسلامی ایران پس از پذیرش قطعنامه، پیشگام گسترش روابط با کشورهای عربی گردید که این امر در رفع سوء تفاهات، بسیار تأثیرگذار بود (Herald, Cooper, 23 march 2011). از این رو در این مقطع رابطه ایران با جهان عرب از جمله کشور عربستان با سفر مقامات به پایتخت‌های یکدیگر رو به بهبودی نهاد و به تدریج مناسبات فیما بین گسترش یافت.

۲-۲. اشغال کویت توسط عراق و موضع ایران در برابر آن

با وجود حمایت همه جانبه کشورهای عربی از جمله کشور کویت از عراق در جنگ با ایران، جمهوری اسلامی پس از اشغال کویت توسط عراق، در صدد تلافی با این کشور کوچک برنیامد؛ بلکه رسماً مخالفت خود را با اشغال کویت اعلام کرد (نوربخش، ۱۳۶۹). این رویداد و موضع جمهوری اسلامی باعث ارتقای جایگاه ایران در بین کشورهای عرب منطقه و همچنین تلطیف روابط ایران با سایر کشورها از جمله کشورهای عضو اتحادیه عرب شد. ایران در این مقطع تاریخی توانست امتیاز مهم متجاوز شناخته شدن عراق در جنگ تحمیلی را به دست آورد. تجاوز عراق به کویت موجب شد که سازمان ملل متحد و نیز کشورهای عرب منطقه، آمریکا و برخی کشورهای اروپایی در جنگ هشت ساله که خود از حامیان تسلیحاتی و مالی عراق بودند، به ناچار حقانیت و ادعای ایران را مورد تأیید قرار دهند و رژیم صدام را به عنوان آغازگر جنگ علیه ایران معرفی نمایند (جمعی از محققان، ۱۳۸۶: ۴۹۰).

۲-۳. استراتژی تنش‌زدایی ایران

با پایان جنگ ایران و عراق، جمهوری اسلامی سیاست خارجی مبتنی بر تنش‌زدایی را در پیش گرفت و توسعه روابط با اروپا و کشورهای عربی را جزء اولویت‌های روابط خارجی خود قرار داد که مقبولیت عامتری در منطقه و جهان به همراه داشت و باعث شکل‌گیری فضایی مناسب جهت تعمیق مناسبات ایران با کشورها به ویژه جهان عرب شد (سجادپور، ۱۳۸۳: ۱۵۲). این سیاست به

ویژه در دوره دولتهای سازندگی و اصلاحات با شتاب بیشتری در پیش گرفته شد (یوسف‌نژاد، ۱۳۸۳: ۱۸).

۲-۴. افزایش قدرت نظامی اسرائیل

دکترین نظامی اسرائیل بر پایه پیش‌فرض‌های تهاجمی و بکارگیری اقدامات نظامی گسترده و ضربات پیشگیرانه قرار داشته است. دولت آمریکا به عنوان بزرگترین حامی رژیم صهیونیستی با حمایت‌های گسترده مالی و تجهیزاتی از این رژیم همواره تلاش کرده است تا تفوق و برتری نظامی اسرائیل در منطقه را به پشتوانه جدیدترین تسلیحات نظامی همچون موشک‌های ضد بالستیک پیشرفته و قدرت هسته‌ای تضمین نماید؛ به طوری که هم‌اینک رژیم صهیونیستی، ششمین قدرت هسته‌ای در جهان محسوب می‌شود. از منظر ایران، اسرائیل دشمن جهان اسلام است و از دیدگاه کشورهای عرب منطقه نیز این توانایی‌ها موجب گسترش شکاف تکنولوژیک و امنیتی میان اعراب و اسرائیل شده است (احتشامی و هینبوش، ۱۳۸۲: ۱۵۹ - ۱۶۸). از این رو تهدید افزایش قدرت نظامی اسرائیل ذاتاً می‌تواند موجب وحدت‌نظر بین ایران و کشورهای عرب در مورد مخاطره‌آمیز بودن فعالیت‌های نظامی اسرائیل برای امنیت داخلی و منطقه‌ای و نیز به عنوان عاملی در کاهش تنش‌ها بین ایران و کشورهای عربی به حساب آید.

۲-۵. برگزاری گردهمایی‌ها و نشست‌های سران کشورهای اسلامی از سوی ایران

یکی از موفق‌ترین نشست‌های سران کشورهای اسلامی که موجب بهبود روابط ایران و دولت‌های عربی گردید، هشتمین نشست سران کنفرانس اسلامی تهران در سال ۱۳۷۶ بود که موجب شکل‌گیری فضای گفت‌وگویی سازنده با دولت‌های صاحب نفوذ عربی - به ویژه عربستان - و روند افزایش سطح همکاری‌های فیما بین در عرصه‌های مختلف گردید. در این نشست، چارچوب مناسبات ایران با کشورهای عربی که توسط مقام معظم رهبری - آیت‌الله خامنه‌ای - تبیین گردید، مبتنی بر مصالح مشترکی همچون ریشه‌کنی فقر و جهل، تحقق اندیشه بازار مشترک اسلامی، ایجاد جامعه مدنی اسلامی و تشکیل اتحادیه بین‌المجالس اسلامی بود. ایشان در این اجلاس تأکید نمود که هیچ خطری از سوی ایران کشورهای اسلامی را تهدید نمی‌کند (رمضانی، ۱۳۸۰: ۱۴۵).

۲-۶. ارتقای سطح مراودات اقتصادی، فرهنگی و همکاری‌های تجاری با کشورهای عربی

سیاست تنش‌زدایی ایران در منطقه پس از پایان جنگ عراق با ایران، منجر به گسترش سطح تعاملات بین‌المللی و افزایش سطح روابط و مناسبات اقتصادی و تجاری به ویژه با کشورهای عربی گردید. این سیاست با وجود حمایت کشورهای عربی از دشمن ایران در جنگ هشت ساله، به توسعه روابط با کشورهای حوزه خلیج فارس منجر گردید و به امضای چندین موافقتنامه و یادداشت تفاهم در زمینه همکاری‌های امنیتی، اقتصادی، فرهنگی و ورزشی، تجاری و بازرگانی، نفت و انرژی، زیست محیطی و... منتهی شد. احداث کارخانه مشترک فولاد ایران و کویت و سرمایه‌گذاری آن کشور در منطقه آزاد تجاری ایران، قرارداد بهره برداری ایران از ماهواره اماراتی ثریا، پروژه ساخت هزار واحد مسکونی و ساخت دانشگاه و تأسیس کارخانه آلومینیوم در یمن و موارد دیگر حاکی از افزایش مراودات اقتصادی ایران با کشورهای عربی در سال‌های پس از جنگ می‌باشد؛ به طوری که تنها در خصوص مناسبات اقتصادی ایران و عراق، بررسی آماری نشان می‌دهد هم‌اینک (۱۳۹۸) ایران سومین تأمین‌کننده نیاز بازار کالایی (غیرنفتی) عراق پس از ترکیه و چین است و مجموع صادرات کالا و خدمات ایران به عراق، ۵ برابر صادرات ایران به ۲۸ کشور اروپایی است (باشگاه خبرنگاران جوان، ۲۷ شهریور ۱۳۹۷).

(و) عوامل و متغیرهای واگرا

در بررسی روابط ایران با جهان عرب، نقش برخی عوامل و متغیرها از گذشته‌های دور تاکنون در تضعیف روابط دوجانبه و افزایش سوء تفاهمات حائز اهمیت می‌باشد:

۱. عوامل تاریخی

برخی عوامل اختلاف‌زا میان مردم ایران و مردمان عرب، دارای ریشه‌های تاریخی، حتی از پیش از ظهور اسلام است:

۱-۱. گرایش‌های ناسیونالیستی

از مهمترین عوامل تاریخی اختلاف ایرانیان با عربها، نقش گفتمان‌های قومی - ملی است. قومیت‌گرایی عربها پدیده‌ای است که ریشه در دوران جاهلیت دارد و کمابیش در طول تاریخ - حتی

در دوره اسلامی - جایگاه خود را حفظ نموده است. کار تا جایی پیش رفت که حتی ابوهیره در تفاخر به زبان عربی و نکوهش زبان فارسی، به نقل از پیامبر(ص) به جعل حدیث روی آورد: «مبغوض‌ترین زبان نزد خدا زبان فارسی است!» (ابن‌حیان، ۱۴۰۲: ۲۹). داستان‌های تاریخی حکایات مفصلی از تفاخر و مباحثات عرب‌ها به عشیره و قبیله خود و طرد قومیت‌های دیگر نقل نموده‌اند. آنان با تقسیم‌بندی دوگانه انسان‌ها به عرب و عجم، عرب را قوم برتر و نژاد غیرعرب را زبردست و زیون می‌پنداشتند و حمایت بی‌قید و شرط از عرب در برابر عجم را ضروری می‌دانستند؛ پنداری که دین اسلام به شدت با آن به مقابله برخاست (حجرات، ۱۳). از سوی دیگر، ناسیونالیسم عربی، به افراط‌گرایی در ناسیونالیسم ایرانی منجر گردید که در نوع نگاه ایرانیان به مردمان عرب تأثیرگذار بود. در دوره معاصر بسیاری از واکنش‌های عرب‌ها نسبت به ایرانیان، تحت تأثیر همین ناسیونالیسم عربی بوده است؛ به طوری که در جریان حمله عراق به ایران اکثر کشورهای عربی به عراق متجاوز، کمک‌های اطلاعاتی، مالی و نظامی ارائه نمودند. در موضوع تحریف نام تاریخی خلیج فارس به نام مجعول غیر ایرانی و نیز حمایت از ادعای امارات نسبت به مالکیت جزایر سه‌گانه ایرانی هم تأثیر این عامل را به وضوح می‌توان مشاهده کرد تا به اصطلاح از هراس گسترش نفوذ ایران به کشورهای عربی و کمرنگ شدن هویت عربی رهایی یابند (Barzegar, 29 January 2009).

۱-۲. حمله عربها به ایران

اختلاف تاریخی دیگر که به عنوان متغیر واگرا در روابط ایران با کشورهای عربی به شمار می‌رود، حمله عربها به سرزمین ایران و به دنبال آن، افزوده شدن این سرزمین به امپراطوری خلافت اسلامی است. این موضوع در کنار عدم برقراری عدالت و حکومت‌داری امویان و عباسیان، به قیام‌های متعددی در ایران علیه خلفای اسلامی انجامید که برخی آن را از عوامل اصلی گرایش ایرانیان به تشیع دانسته‌اند (جعفریان، ۱۳۷۴: ۴۹-۵۴؛ عقداالفرد، ۴۱۳).

۱-۳. اختلاف شیعه و سنی

در بررسی عوامل واگرا در روابط ایران با جهان عرب، باید به موضوع اختلاف مذهبی شیعه و سنی نیز توجه داشت؛ موضوعی که در نوع نگاه مردمان عرب به ایرانیان بی‌تأثیر نبوده است. این در حالی است که در طول تاریخ اسلام، شیعه گرچه در اقلیت جهان اسلام قرار داشته اما به طور مسالمت‌آمیزی در کنار اهل سنت زندگی کرده و غالباً جنگ مهمی به نام جنگ شیعه و سنی رخ نداده است. اختلاف شیعه و سنی در دوره معاصر بیشتر توسط دشمنان اسلام و مخالفان نظام جمهوری اسلامی با هدف تضعیف جهان اسلام و نظام اسلامی تشدید گردید (خبرگزاری تسنیم ۲۷ آذر ۱۳۹۴).

۱-۴. اختلافات مرزی

از گذشته‌های نه چندان دور تاکنون برخی اختلافات مرزی میان ایران با کشورهای عربی همچون اختلافات مرزی ایران و کویت، اختلاف ایران و عراق بر سر مالکیت اروندرود و برخی موارد دیگر وجود داشته که به ایجاد تنش در روابط ایران و جهان عرب منجر شده است اما مهمترین اختلاف مرزی در دهه‌های اخیر ناشی از ادعای مالکیت امارات متحده عربی بر جزایر سه‌گانه ایران می‌باشد که با حمایت و موضع‌گیری غالب کشورهای عربی علیه ایران نیز همراه گردیده است. بر اساس شواهد تاریخی، حاکمیت ایران بر جزایر سه‌گانه ابوموسی، تنب بزرگ و تنب کوچک ریشه در دوره امپراطوری‌های عیلامی، ماد، هخامنشی، اشکانی و ساسانی دارد (حق‌شناس، ۱۳۸۹). این جزایر در سال ۱۹۰۸ به طور کامل تحت اشغال بریتانیا درآمد در حالی که تا سال ۱۹۷۱ هیچ‌یک از دولت‌های وقت ایران این اشغال را به رسمیت نشناخته و همواره ابوموسی به همراه تنب بزرگ و کوچک در تقسیمات کشوری ایران قرار داشتند. در سال ۱۹۷۱ پس از توافق ایران و بریتانیا و پیش از خروج نیروهای نظامی انگلیس از منطقه و تأسیس کشور امارات متحده عربی، ابوموسی به همراه تنب بزرگ و تنب کوچک پس از نزدیک به ۷۰ سال شکایت‌های مداوم دولت ایران علیه اشغال‌گری انگلیس سرانجام به ایران بازگردانده شد (حق‌شناس، ۱۳۸۹) اما پس از آن اتحادیه عرب در نشست‌های خود به کرات به درخواست امارات متحده عربی موضوع جزایر سه‌گانه ایرانی را در دستور کار خود قرار داده و از ادعای مالکیت امارات حمایت به عمل آورده است (WWW.GCC- (Sg.org/ 25 September 2004).

۲. برخی عوامل و متغیرهای تنش‌زا پس از پیروزی انقلاب اسلامی

روابط ایران با جهان عرب پس از پیروزی انقلاب اسلامی، از متغیرهای واگرایانه عديده‌ای تأثیر پذیرفته است:

۱-۲. ماهیت و ایدئولوژی انقلاب اسلامی

می‌توان مهم‌ترین تأثیر پیروزی انقلاب اسلامی بر کشورهای عربی را نگرانی غالب دولت‌های این کشورها از صدور ایدئولوژی ضد استبدادی-استعماری انقلاب اسلامی ایران به میان ملت‌های عرب که غالباً تحت حکومت دولتهای غیرمنتخب به سر می‌برند، دانست. ایدئولوژی انقلاب اسلامی، کشورهای اسلامی را به مقابله با سیاست‌های استعماری و استبدادی فراخواند و از ملت‌های ستمدیده خواست تا برای مقابله با حکومت‌های مستبد خود به پا خیزند. از این رو انقلاب اسلامی

ایران موجب هراس رژیم‌های غالباً غیردمکراتیک عربی از رواج اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه و بروز اعتراضات مردمی شد. از نگاه ایشان به ویژه غالب کشورهای شورای همکاری خلیج فارس، جمهوری اسلامی ایران به دنبال تغییر توازن قدرت در منطقه به نفع خود می‌باشد؛ نگاهی که پس از اوج‌گیری اعتراضات مردمی سال ۲۰۱۱ میلادی در کشورهای عربی و قیام‌های واقع در محدوده شبه‌جزیره عربستان تقویت گردید. این امر رژیم‌های غیرمردمی جهان عرب را به بهانه‌های مختلف مجبور به واکنش و تقابل با ایران نموده است. یکی از دلایل وابستگی سیاسی-امنیتی دولتهای غیردموکراتیک این کشورها به ایالات متحده را نیز در همین عامل می‌توان جستجو کرد (Herald, Cooper, 23 march 2011).

۲-۲. جنگ ایران و عراق

تهاجم عراق به نظام نوپای جمهوری اسلامی ایران در شهریور ۱۳۵۹ به تشدید شکاف در روابط ایران با کشورهای عربی منجر شد؛ در این جنگ غالب دولتهای عربی از جمله عربستان، مصر، کویت و بحرین که از پیروزی انقلاب اسلامی به هراس افتاده بودند، از دولت متجاوز صدام حمایت نموده و در ابعاد مالی، سیاسی، تبلیغاتی، تجهیزات جنگی و حتی نیروی انسانی به کمک عراق شتافتند؛ به عنوان مثال، میزان کمک‌های نظامی مصر به عراق تا سال ۱۹۸۵ به بیش از دو میلیارد دلار رسید. این کشور فقط از نوامبر ۱۹۸۱ تا اکتبر ۱۹۸۲، بین ۴۰ تا ۶۰ خلبان جنگی و در سال‌های ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۶، ده فروند هواپیمای اف ۴ و چهار فروند هواپیمای اف ۱۰ و ۲۵۰ دستگاه تانک تی-۵ به عراق فرستاد (احمدی، ۱۳۷۹: ۶). در سال ۱۹۹۹ میلادی «ریچارد آرمیتاژ» -قائم مقام وزارت امور خارجه امریکا- در کنگره این کشور در گزارشی رسماً اعلام کرد که حاکمان کشورهای عرب در دهه هشتاد میلادی، چهل و پنج میلیارد دلار در جنگ عراق علیه ایران به رژیم صدام کمک کرده‌اند (Cordesman, 1999: 233).

۲-۳. اختلاف نظر جمهوری اسلامی با دولتهای عربی در خصوص مذاکرات صلح خاورمیانه

یکی دیگر از موضوعات اختلاف‌زا میان ایران و دولتهای عربی، نوع رویکرد به فرایند صلح در خاورمیانه است. در مجموع اعضای اتحادیه عرب در خصوص اشغال سرزمین فلسطین، عقب‌نشینی اسرائیل از سرزمین‌های اشغال‌شده طی جنگ‌های اعراب و اسرائیل را برای از سرگیری روابط دیپلماتیک و به رسمیت شناختن این رژیم کافی دانسته و در مذاکرات صلح، اصل صلح در برابر زمین را مورد پذیرش قرار داده‌اند. اینان در مورد موضوع فلسطین، حدود کرانه باختری رود اردن و

نوار غزه را برای قلمرو دولت مستقل فلسطین کافی می‌دانند؛ اما ایران از آغاز برخلاف این دیدگاه، اصل مذاکرات صلح را نافی حقوق فلسطینی‌ها و ابزاری برای نهادینه کردن اشغالگری اسرائیل دانسته است (احمدی، ۱۳۹۲: ۴۳-۶۵).

۲-۴. حضور آمریکا در منطقه

یکی دیگر از موضوعات اختلاف‌زا میان ایران و دولتهای عربی، حمایت کشورهای حوزه خلیج فارس از حضور آمریکا در این منطقه است. ایران بارها حضور قدرتهای خارجی در منطقه را عامل تشدید بحران توصیف نموده و تأمین امنیت منطقه را برعهده کشورهای حوزه خلیج فارس دانسته است. این در حالی است که دولتهای عربی نقش آمریکا را در منطقه خلیج فارس برای بقای رژیم‌های خود حیاتی دانسته و به رسمیت می‌شناسند (Bernard and Kurtzer, 13 December 2013) زیرا اغلب کشورهای عربی به دلیل مسائل سیاسی، امنیتی، تسلیحاتی، مالی و اقتصادی به آمریکا وابسته‌اند و از این جهت به همسویی با سیاست‌های واشنگتن علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه روی آورده‌اند. از سوی دیگر سیاست ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نیز مبتنی بر ایجاد شکاف در روابط ایران و کشورهای عربی است؛ زیرا آنان حضور مسالمت‌آمیز ایران در میان عربها را مغایر با منافع خود تلقی می‌کنند. بدین جهت آمریکا و اسرائیل همواره در ارائه تصویری نادرست و مخرب از ایران به عنوان کشوری مخل امنیت کشورهای منطقه، تلاش هماهنگی را در پیش گرفته‌اند (Bernard and Kurtzer, 13 December 2013).

ز) راه حل‌ها و پیشنهادها

برای تحقق تمدن نوین اسلامی و پیشرفت جهان اسلام برپایه همبستگی ایران با جهان عرب، راهکارهای چندی می‌توان ارائه نمود تا روابط ایران با کشورهای عربی را بهبود بخشید؛ این راهکارها عمدتاً برپایه دو عامل قرار دارند: تقویت عوامل همگرا؛ تضعیف عوامل واگرا و تنش‌زا.

۱. تقویت عوامل همگرا

تقویت عوامل همگرا یکی از مهم‌ترین راهکارها برای تحقق تمدن نوین اسلامی است. این امر با تأکید بر اصول مشترک جهان اسلام و وحدت امت اسلامی قابل دستیابی است:

۱-۱. تکیه بر اصول مشترک جهان اسلام

تقویت عوامل همگرا برای شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی با تکیه بر اصول مشترک جهان اسلام قابل تحقق است. بر اساس آنچه گذشت، اصطلاح تمدن‌سازی نوین اسلامی برای نخستین بار توسط رهبر انقلاب اسلامی - آیت‌الله خامنه‌ای - مطرح گردید، از منظر آیت‌الله خامنه‌ای تمدن اسلامی جدید بر پایه چهار رکن مشترک دین، عقلانیت، علم و اخلاق قرار گرفته (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۰/۶/۲۶) که «در آن، علم همراه با اخلاق، مادیات، همراه با معنویت و دین و قدرت سیاسی، همراه با عدالت است» (آیت‌الله خامنه‌ای ۱۳۷۹/۷/۱۴). ایشان با تأکید بر این چهار رکن، وجه تمایز تمدن اسلامی با تمدن غیراسلامی را برجسته نموده و به عنوان اصول مشترک مورد تأیید جهان اسلام مطرح می‌سازند:

۱-۲. تأکید بر دین جامع

اولین و بنیادی‌ترین اصل در شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی، «دین» است. اسلام دین جامعی است که با سیاست درآمیخته است این اصل آن قدر بدیهی است که حتی مخالفین اسلام نیز صریحاً بدان اعتراف کرده‌اند (Hrmet and others, 1994: 138-139). از نگاه اندیشمندان اسلامی سیاست در اسلام سیاستی اخلاقی، قانونی و عقلانی است؛ به طوری که آیت‌الله خامنه‌ای تصریح می‌کند: «بعثت نبی مکرم اسلام صلوات الله علیه و آله در واقع دعوت مردم به تربیت عقلانی و تربیت اخلاقی و تربیت قانونی بود. این‌ها چیزهایی است که زندگی آسوده و رو به تکامل انسان به آن‌ها نیازمند است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

۱-۳. تأکید بر عقلانیت:

در اندیشه اسلامی، رسیدن به عقلانیت مهم‌ترین هدف رسالت نبی مکرم اسلام است. از این رو یکی از اهداف مشترک و از ارکان تحقق تمدن نوین اسلامی نیز خواهد بود: «عقلانیت، اولین و مهم‌ترین مسئله است و در درجه‌ی اول در بعثت پیغمبر، مسئله عقل مطرح شده است. اولین کار پیامبر مکرم به فعلیت رساندن عقل، بر شوراندن قدرت تفکر و تقویت کردن آن در جامعه است» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹).

۴-۱. تأکید بر علم:

علم یکی از ارکان مهم تمدن نوین اسلامی است؛ آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر نقش بی‌بدیل علم در کشف قوانین دنیا و فرایند مدیریت جهانی معتقد است: «ما از طرف دین مأموریم که این قانون را کشف کنیم... بشر آمده که بر سنگ و چوب و درخت و روی زمین و زیرزمین حکومت کند؛ نیامده که محکوم این‌ها باشد. این حاکمیت بر روی زمین که فلسفه‌ی وجودی و وظیفه‌ی اصلی بشر است محقق نمی‌شود، مگر آن‌وقتی که شما قوانین زمین یعنی قوانین آب و باد و هوا را بشناسید... این قوانین را با علم می‌شود شناخت» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵). از دیدگاه ایشان نکته مهم در اندیشه اسلامی، ابتدای محتوا و جهت علم به مبانی دینی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۲/۱/۳۱). لذا ایشان می‌فرماید: «ما در تمدن اسلامی و در نظام مقدس جمهوری اسلامی که به سمت آن تمدن حرکت می‌کند، این را هدف گرفته‌ایم که دانش را همراه با معنویت پیش ببریم. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود. دانشگاه همچنان که مرکز علم است، مرکز دین و معنویت هم باشد. متخرج دانشگاه‌های کشور، مثل متخرج حوزه‌های علمیه، دین‌دار بیرون بیاید» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۷۶/۶/۱۹).

تأکید آیت‌الله خامنه‌ای بر عنصر "پیشرفت همه‌جانبه" به‌عنوان ماهیت واقعی تمدن نوین اسلامی نیز در واقع به معنای تأکید بر عنصر حرکت و تعالی در همه عرصه‌ها و همه جنبه‌های زندگی مادی و معنوی است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۹۱/۷/۲۳).

۵-۱. تأکید بر اخلاق:

اخلاق رکن چهارم تمدن اسلامی و از اصول مشترک جوامع اسلامی است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، اخلاق به مثابه هوای پاک برای انسانهاست (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹) بنابراین اخلاق به عنوان یکی از پایه‌های تشکیل‌دهنده امت واحده اسلامی، جهت تحقق تمدن نوین اسلامی دارای نقشی حیاتی است و فقدان آن به حاکمیت «حرصها، هوای نفس‌ها، جهالت‌ها، دنیاطلبی‌ها، بغض‌های شخصی، حسادت‌ها، بخل‌ها و ...» منجر خواهد شد (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۸۸/۴/۲۹). پیروی از این اصل در عرصه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و ... از سوی کشورهای اسلامی، نویدبخش تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر فاقد اخلاق و معنویت است.

۱-۶. تقویت گفتمان وحدت در جهان اسلام

یکی از عوامل مؤثر بر عقب‌ماندگی جهان اسلام در وضعیت کنونی، تشتت و پراکندگی کشورهای اسلامی از یکدیگر است. هم‌اینک اتحادیه عرب به‌علت ناهماهنگی‌های گسترده سیاسی و اقتصادی میان کشورهای عربی، به سازمانی فاقد کاربری‌های لازم در سطوح منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. ناتوانی این سازمان در حل و فصل اختلافات میان کشورهای عربی پیرامون موضوعات مختلف از جمله عدم وحدت‌نظر آنان در خصوص مسأله اسرائیل در این راستا قابل توجه می‌باشد. این امر نقش ایران را به عنوان کشوری مستقل و بانفوذ در ارتباط با کشورهای عربی و رفع بسیاری از سوء تفاهات فی‌مابین برجسته‌تر می‌سازد. وظیفه جمهوری اسلامی در این شرایط، تقویت گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه وحدت در چارچوب همان اصول مشترک در جهان اسلام است. آیت‌الله خامنه‌ای در این باره می‌فرماید: "ما به فرقه‌های عالم اسلام نمی‌گوییم از عقاید مخصوص فرقه‌ی خود دست بکشید و عقاید فرقه‌ی دیگر را قبول کنید؛ اما به همه‌ی مسلمین می‌گوییم در میان ما موارد مشترک، بیشتر و مهم‌تر و اساسی‌تر از موارد اختلاف است. دشمنان ما روی موارد اختلاف تکیه می‌کنند؛ ما برعکس باید مواضع مشترک را تقویت کنیم و نگذاریم دشمن بهانه به دست آورد و با تفرق ما، نقطه‌ی فشار روی پیکر امت اسلامی را پیدا کند" (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۳۶۸/۷/۲۴).

مسأله وحدت امت اسلامی یکی از مهمترین مسایلی است که قرآن کریم و ائمه معصومین(ع) بدان توجه خاصی داشته‌اند. خداوند در قرآن کریم با نكوهش اختلاف و دودستگی، وحدت و یکپارچگی امت اسلامی را با تمسک به ريسمان الهی مورد تأکید قرار می‌دهد(آل عمران، ۱۰۳). از این رو رسول خدا(ص) و دیگر پیشوایان الهی همواره ندای وحدت سر می‌دادند. آنان در طول حیات مبارک خود به دلیل حفظ وحدت مسلمین بارها در برابر پایمال شدن حقوق خود صبر کردند تا تفرقه و تشتت در بین مسلمانان نیفتد و اتحاد مسلمانان حفظ شود. براین اساس شایسته است جهان اسلام وحدت خود را حول محور اصول مشترک حفظ کند تا بتواند در برابر دشمنان مشترک خویش ایستادگی نماید. فقط در صورت داشتن اتحاد حداکثری بین مسلمانان، قدرت جهانی و عزت بزرگ و فراگیر امت اسلامی که لازمه رسیدن به دروازه‌های تمدن نوین اسلامی است، دست یافتنی خواهد بود.

۲. تضعیف عوامل واگرا و تنش‌زا

متغیرهای واگرا همواره یکی از عوامل تنش‌زا در روابط ایران با کشورهای عربی بوده است. افول تمدن اسلامی با گسترش شکاف میان روابط ایران با جهان عرب همراه بود. از این رو تضعیف این عوامل می‌تواند زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی باشد. این امر با شناسایی دقیق متغیرهای تنش‌زا و سپس تدوین راهکارهای مقابله با آنها میسر خواهد بود. در این پژوهش به برخی از مهم‌ترین عوامل و متغیرهای واگرا در روابط ایران با کشورهای عربی اشاره شد. جهت مقابله با آن عوامل، پیشنهادهای زیر قابل بررسی می‌باشند:

۱. تغییر رویکرد دو ملت ایران و عرب به یکدیگر

رویکرد دو ملت ایران و عرب به یکدیگر دارای یک پیش‌زمینه نادرست تاریخی است. این پیش‌زمینه گرچه پس از ظهور دین اسلام در حد بسیار گسترده هیچگاه شیوع نداشته است اما در عرصه‌های مختلف تاریخی این رویکرد نادرست همواره نمود یافته و مشکلاتی برای دو ملت فراهم نموده است. رویکردی که در آن می‌توان رگه‌هایی از نگاه جاهلیت عرب به عجم (فارس) و یا احساس بیگانگی نسبت به عرب و تحقیر آن از سوی مقابل را یافت. متأسفانه این نگاه حتی پس از پیروزی انقلاب اسلامی نیز همچنان وجود داشته و از سوی دشمنان تقویت گردیده است. در داخل کشورهای عربی همواره دست‌هایی تلاش نموده‌اند تا آنان را از نفوذ ایران در این کشورها بترسانند و مدام نسبت به تلاش ایران برای کمرنگ ساختن هویت عربی هشدار دهند. در ایران نیز برخی تلاش می‌کنند ورود عرب‌ها به ایران در صدر اسلام را موجب عقب‌ماندگی و نابسامانی این کشور معرفی کنند (Barzegar, 29 January 2009). یکی از راه‌های از بین بردن این رویکرد غلط، کمک گرفتن از خود مردمان عرب و فارس در ایران و کشورهای عربی است. عرب‌های ساکن ایران و ایرانیان ساکن کشورهای عربی می‌توانند نقش مؤثری در اصلاح این رویکرد داشته باشند. بر اساس آمار موجود، حدوداً تا سال ۱۳۵۷ عرب‌زبان‌های ایرانی ۳/۸۵ درصد از جمعیت ایران را شامل می‌شدند (کریمی‌پور، ۱۳۸۴: ۹۷) و تا سال ۱۳۹۰، ۴ درصد (دو و نیم میلیون نفر) جمعیت ایران، مردم عرب‌تبار هستند که بیشتر آن‌ها در استان خوزستان، هرمزگان و جزایر خلیج فارس ساکنند (پایگاه خبری پارسینه، ۲۸ فروردین ۱۳۹۰) در مقابل ایرانیان فراوانی نیز ساکن کشورهای عربی می‌باشند و در طول تاریخ در زمره مشاهیر کشورهای عربی قرار داشته‌اند؛ به عنوان مثال در یمن که از کهن‌ترین محل مهاجرت دوسویه ایران-عرب بوده است؛ مورخان معروفی همچون وهب بن منبه (۶۵۴-۷۳۲م) و تابعی، تاریخ‌نگار یمنی را ایرانی‌الاصل یاد کرده‌اند (بعلبکی،

۱۹۸۰: ۱۶۳). عراق، لبنان و مصر نیز از قدیم‌الایام از مقصدهای اصلی مهاجران ایرانی بوده است (فروخ، ج ۳، ۱۹۸۴: ۸۰۸). ایران می‌تواند با تقویت ارتباط با این دو گروه، رویکرد مردمان عرب و عجم به یکدیگر را تغییر دهد.

۲. تقویت گفتمان اعتمادساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

گفتمان سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران باید در بستر تنش‌زدایی و اعتمادسازی برای کشورهای عربی شکل بگیرد. کشور ایران به طور طبیعی از جایگاه مهمی در منطقه برخوردار است. ایران کشوری مستقل، قدرتمند و با پیشینه تمدنی بزرگ است؛ در حالی که کشورهای عربی عمدتاً ضعیف و فاقد استقلال سیاسی می‌باشند؛ با این حال هرگز نباید نگاه ایران به این کشورها تحقیرآمیز باشد. این نگاه در کنار ترس از افزایش قدرت و نفوذ ایران، وابستگی کشورهای عربی به قدرتهای بیگانه را تقویت می‌کند. ایران با جلب اطمینان آنان می‌تواند این نگاه را تغییر دهد؛ یعنی باید با نگاه احترام‌آمیز در عمل نشان دهد که هرگز به دنبال سوء استفاده از قدرت خود نیست، بلکه امنیت کشورهای عربی را امنیت ایران می‌داند. از این طریق می‌توان رویکرد رسانه‌های عربی به ایران را که به نحوی منعکس‌کننده مواضع نظام‌های رسمی عربی می‌باشند، نیز تغییر داد. ایران می‌تواند در کنار دعوت از اساتید و نخبگان عرب به ایران، ارتباط خود را با رسانه‌های عربی نیز تقویت نماید و با دعوت از این رسانه‌ها -ولو غیر هوادار ایران- برای حضور پررنگ‌تر در این کشور، تصوراتشان در مورد ایران را اصلاح نماید. تقویت ارتباط با نخبگان و رسانه‌های عربی و تبیین صحیح سیاست‌های کلی نظام در مسائل مورد اختلاف مانند سیاست ایران در سوریه، یمن، لبنان و... باعث شکل‌گرفتن نگاهی منصفانه و به دور از حب و بغض‌های سیاسی در مورد ایران خواهد شد.

۳. از بین بردن زمینه‌های اختلاف

زمینه‌های اختلاف میان ایران و کشورهای عربی عمدتاً بر دو مبنای اساسی شکل گرفته است:

۳-۱. مذهبی

مهمترین نماد اختلاف مذهبی بین ایران و کشورهای عربی، اختلاف شیعه و سنی می‌باشد. قرار گرفتن ایران با اکثریت مردمان شیعی مذهب در کنار کشورهای عربی با اکثریت اهل تسنن همواره یکی از عوامل اختلاف‌زا و نزاع‌آفرین بوده است. در دهه‌های اخیر این اختلافات از سوی قدرتهای

بیگانه- به ویژه ایالات متحده آمریکا تشدید گردیده و آنان با توسل به اقداماتی از قبیل ایران ستیزی و شیعه‌ستیزی، برای تشدید بی‌اعتمادی و بیشتر کردن فاصله میان طرفین تلاش نموده‌اند (خبرگزاری تسنیم، ۲۷ آذر ۱۳۹۴). این در حالی است که در دامن زدن به این اختلاف و فرقه‌گرایی، شخصیت‌ها، نهادهای دولتی و غیردولتی و فرهنگ عمومی جامعه نیز دخیل بوده است. بدون رویکرد به داخل برای حل این معضل، نمی‌توان زمینه‌های بیرونی آن را از بین برد. مسئولان باید با فرهنگ‌سازی درست، زمینه‌های ایجاد تنش و شکاف شیعه و سنی را برطرف نمایند. زیرا به هر میزان این شکاف در ایران افزایش یابد به همان میزان در کشورهای عربی و جهان اسلام نیز افزایش یافته و زمینه سوءاستفاده دشمنان را فراهم خواهد ساخت.

۳-۲. سیاسی

همانگونه که اشاره شد کشورهای عربی در منطقه به دلیل جایگاه ضعیف و فقدان استقلال سیاسی خود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی همواره نگاه بدبینانه‌ای به جمهوری اسلامی ایران داشته و نگران صدور انقلاب به این کشورها بوده‌اند. در کنار این، سیاست ایالات متحده و رژیم صهیونیستی نیز مبتنی بر ایجاد شکاف در روابط ایران و کشورهای عربی برای حفظ منافع نامشروع خود بوده است (Bernard and Kurtzer, 13 December 2013). از این رو طبیعی است که این کشورها برای حفظ موقعیت خود بیشتر به قدرتهای بیگانه وابسته می‌شوند و نتیجه آن شکاف بیشتر میان ایران با کشورهای عربی خواهد بود. تقویت گفتمان اعتمادساز در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به طریقی که اشاره شد موجب رفع نگرانی‌ها و سوءتفاهمات خواهد بود.

نتیجه‌گیری

روابط ایران و کشورهای عربی با پیشینه تاریخی مشترک از دوران باستان، از یکسو تحت تأثیر برخی عوامل واگرا و از سوی دیگر، همگرایی ناشی از وابستگی‌ها و پیوستگی‌های دوسویه در یک فرایند زمانی دستخوش تغییر و تحولات و دگرگونی‌های سیاسی- تاریخی بوده است. این روابط در حال حاضر به رغم اشتراکات فرهنگی- تاریخی متعدد و نیازهای دوجانبه، تحت تأثیر متغیرهای عدیده و بدبینی‌ها و احساس تقابل‌ها به ویژه در دوره معاصر به سردی گراییده و در حد مطلوبی ارزیابی نمی‌گردد. این در حالی است که از یکسو به دلیل اصول مشترک جهان اسلام و از سوی

دیگر ضرورت‌های تعامل دوسویه میان ایران با جهان عرب، امروزه اقتضا دارد جهان اسلام به صورت یکپارچه و متحد درآید.

در این پژوهش، نگارنده با هدف پاسخ به چگونگی امکان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی تحت‌تأثیر عوامل تقویت ارتباط ایران با جهان عرب، پس از بررسی متغیرهای مختلف واگرا و همگرا در روابط ایران با کشورهای عربی، به ارزیابی راهکارها و عوامل بهبودی این روابط و چگونگی تعامل و همبستگی ایران با جهان عرب در پرتو پیوستگی‌های فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و تاریخی پرداخت. هدف پژوهش حاضر، ارائه راهکار برای تحقق تمدن نوین اسلامی در گستره جهانی با مشارکت ایران و جهان عرب می‌باشد. در این مسیر با تأکید بر اصول مشترک و اهتمام به دین جامع، عقلانیت، علم، اخلاق و تقویت گفتمان وحدت در جهان اسلام، در کنار تضعیف عوامل واگرا و بسترهای تنش‌زا در روابط دو ملت ایران و عرب می‌توان فرایند تحقق تمدن نوین اسلامی در گستره جهانی را تسریع نمود.



منابع

الف. منابع فارسی

- ابن حیان، محمد (۱۴۰۲). **المجروحین**، ج ۱، دمشق: دارالوعی.
- ابن عبدربه، احمدبن محمد (بی تا). **عقدالفريد**، ج ۳، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- احتشامی و هینبوش (۱۳۸۲). **سیاست خارجی کشورهای خاورمیانه**، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، وحیده (۱۳۹۲). «رویکرد اتحادیه عرب به مسئله فلسطینی‌ها»، **فصلنامه مطالعات فلسطین**، شماره ۲۲ و ۲۳، پاییز و زمستان.
- احمدی، حمید (۱۳۷۹). «نظام بین‌المللی معاصر و فراز و نشیب‌های روابط ایران و مصر»، **فصلنامه مطالعات افریقا**، سال پنجم، شماره ۲، پاییز و زمستان.
- انصاری، بهمن (۱۳۹۳). **مغولان در ایران**، تهران: نشر الکترونیک.
- آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۹۰). **تاریخ تمدن**، تهران: انتشارات کتابدار.
- باشگاه خبرنگاران جوان (۲۷/۶/۱۳۹۷). «چند درصد از بازار کالایی عراق توسط ایران تامین می‌شود؟»، تاریخ مشاهده ۱۶/۲/۱۳۹۹، قابل دسترسی در: <https://www.yjc.ir/fa/news/6671210>
- بعلبکی، منیر (۱۹۸۰). **دانشنامه المورد**، بیروت: دارالعلم للملایین.
- بلاذری، احمدبن یحیی (۱۹۸۸). **فتوح البلدان**، بیروت: دارالمکتبه الهلال.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جمع اساتید و طلاب حوزه علمیه قم، ۱۳۹۰/۶/۲۶.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه، ۱۳۷۹/۷/۱۴.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای گروه دانش صدای جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۰/۱۱/۱۵.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار اعضای مجلس خبرگان رهبری، ۱۳۹۲/۶/۱۴.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از پرستاران، ۱۳۷۶/۶/۱۹.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جمعی از مهندسان و کارگران صنعت نفت، ۱۳۷۲/۱/۳۱.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار جوانان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۷/۲۳.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در دیدار مسئولان نظام، ۱۳۸۸/۴/۲۹.
- بیانات آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم بیعت طلاب و روحانیون، ۱۳۶۸/۷/۲۴.
- پایگاه خبری پارسینه (۱۳۹۰/۱/۲۸). «اعراب ایرانی چگونه مردمی هستند؟». تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۱۶، قابل دسترسی در: <http://www.parsine.com/fa/news/36323>
- جعفریان، رسول (۱۳۷۴). **تاریخ تشیع در ایران تا قرن هفتم**، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.

- جمعی از محققان (۱۳۸۶). دوازده نامه؛ متن نامه‌های مبادله شده ایران و عراق در سال ۱۳۶۹، تهران، دفتر نشر معارف انقلاب.
- حسن‌نیا، محمد (۱۳۸۷). «اقتصاد و سیاست خارجی عصر صفوی»، فصلنامه تاریخ روابط خارجی، شماره ۳۷، ۲۰۱-۲۱۶.
- حق‌شناس، سیدعلی (۱۳۸۹). **حاکمیت تاریخی ایران بر جزایر تنب و بوموسی**، تهران: سنا.
- خبرگزاری تسنیم (۱۳۹۴/۹/۲۷). «ایران‌هراسی و شیعه‌ستیزی اصلی‌ترین استراتژی آمریکا در منطقه است»، تاریخ مشاهده ۱۳۹۹/۲/۱۶، قابل دسترسی در: <https://www.tasnimnews.com/fa/news/1394/09/27/946454>
- خمینی، روح‌الله (۱۳۷۹). **صحیفه نور**، تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره).
- دریایی، تورج (۱۳۸۴). **شاهنشاهی ساسانی**، ترجمه مرتضی ثاقب‌فر، چاپ دوم، تهران: ققنوس.
- رجایی، فرهنگ (۱۳۸۱). **اندیشه سیاسی معاصر در جهان عرب: از قرارداد پارسا رویتز تا قرارداد غزه-اریحا**، تهران: مرکز پژوهش‌های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه.
- رمضانی، روح‌الله (۱۳۸۰). **چارچوب تحلیلی برای بررسی سیاست خارجی ایران**، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشر نی.
- سجادپور، محمدکاظم (۱۳۸۳). **سیاست خارجی ایران**، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- شعار، جعفر (۱۳۷۱). **سفرنامه ناصر خسرو**، تهران: قطره.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۹۴). **تاریخ طبری**، ج ۱، تهران: اساطیر.
- عمید، حسین (۱۳۸۹). **فرهنگ فارسی عمید**، تهران: انتشارات اشجع.
- فروخ، عمر (۱۹۸۴). **تاریخ الادب العربی**، جلد سوم، بیروت: انتشارات دارالعلم للملایین.
- فوزی، یحیی و صنم‌زاده، مریم (۱۳۹۱). «تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی(ره)»، **فصلنامه تاریخ و فرهنگ تمدن اسلامی**.
- قربانی، زین‌العابدین (۱۳۷۶). **علل پیشرفت و انحطاط مسلمین**، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- کریمی‌پور، کوثر و کریمی‌پور، یدالله (۱۳۸۴). «عرب‌های خوزستان: واگرایی و همگرایی»، **پژوهش‌های جغرافیایی**، تابستان، شماره ۵۲.
- لوکاس، ه (۱۳۸۴). **تاریخ تمدن**، ج ۱، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، چاپ ششم، تهران: انتشارات سخن.
- نوربخش، مهدی (۱۳۶۹). «ماوراء حمله صدام حسین به کویت»، ترجمه جمشید زنگنه، در: **مجموعه مقالات سومین سمینار بررسی مسائل خلیج فارس**، بهمن‌ماه.
- یوسف‌نژاد، ابراهیم (۱۳۸۳). «روابط دوجانبه ایران و مصر، فرصت‌ها، چالش‌ها و چشم‌انداز آینده»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات سیاسی، شماره آبان.

ب. منابع انگلیسی

- Adas, Michael(1993), **Islamic & European Expansion: The Forging of a Global, Order**, Temple University Press.
- Anthony H.Cordesman(1999), **IRAN'S military Forces in Transition**, London: Library of Congress Cataloging in Publication.
- Barzegar, Kayhan(2009), «The Geopolitical Factor in Iran's Foreign Policy». Belfer Center for Science and International Affairs, 29 January.
<https://www.belfercenter.org/publication/geopolitical-factor-irans-foreign-policy>
- Bernard and Kurtzer(2013), «Middle East Frenemies”. **Project Syndicate**, 13 December.
- Cooper, Barry(2011), «Iran quietly altering Mideast balance of power». **Calgary Herald**, 23 march 2011.
- Hrmet,Guy,Badie,Bertrand,Birnbaum,Pierre,Braud,Philippe(1994).**dictionnaire de la science politique et des institutions politieua.dalloz,paris.**

